

۲

۱۴۴۴.۵

ویرایش اول

مقدمه

فصل اول

فصل دوم

فصل سوم

فصل چهارم

فصل پنجم

فصل ششم

فصل هفتم

فصل هشتم

فصل نهم

فصل دهم

فصل یازدهم

فصل بیستم

فصل بیست و یکم

فصل بیست و دوم

فصل بیست و سوم

فصل بیست و چهارم

فصل بیست و پنجم

فصل بیست و ششم

فصل بیست و هفتم

فصل بیست و هشتم

فصل بیست و نهم

فصل بیست و دهم

فصل بیست و یازدهم

فصل بیست و دوازدهم

فصل بیست و سیزدهم

فصل بیست و چهاردهم

فصل بیست و پنجم

فصل بیست و ششم

فصل بیست و هفتم

فصل بیست و هشتم

عکاسی، بالهن سواری،

عشق و اندوه

جولین باربر

عماد مرتضوی



سرشناسه: جولیان، بارنس، ۱۹۰۶، Barnes, Julia

عنوان و نام پدیدآور: ناسی، رن سواری، عشق و اندوه [کتاب] / نویسنده جولین بارنز؛ مترجم: عماد، ۱۳۶۴

مشخصات نشر: تهران: نشر گنجینه، ۱۳۸۰

مشخصات ظاهری: ۱۴۴ ص؛ ۱۸ سانتیمتر عرض؛ ۳۰ سانتیمتر ارتفاع

فروست: زندگی‌نگاره‌ها (ادبیات خاطره‌نویسی)

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۸۹-۳۵-۸

وضعیت فهرست‌نویسی: فیبا

یادداشت: عنوان اصلی: . 2013. First United States edition. . 2013. Level 1

عنوان دیگر: سطوح زندگی.

موضوع: داستان‌های انگلیسی -- قرن ۲۰م.

English fiction -- 20th century

شناسه افزوده: مرتضوی، عماد، ۱۳۶۴ - مترجم

رده بندی کنگره: ۸۱۳۹۸ع ۲۲۶۶ ب / PZ۳

رده بندی دیویی: ۸۲۳/۹۱۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۳۷۷۱۳۶



عکاسی، بالون سواری، عشق و اندوه



جولین بارنز

ترجمه | عماد مرتضوی
ویراستار | م.ب. حاجیانی
با همکاری مکتب ماناروانید، مهشیدزندی
روفتنگار | صفحه آرایی | آتلیه نشر گمان
ح.ر. جلد | هالند
طراحی جلد | نفرم | محمود منفرد
لیتوگرافی | چاپ | هالند | آتلیه
چاپ متن و روایت | اولاد | اندیشه

شابک | ۹۷۸-۶۰۰-۷۱۸۹-۳۵-۸
چاپ نخست | پاییز ۱۳۹۸
شمارگان | ۱۰۰۰ جلد
قیمت | ۲۵۰۰۰ تومان

تلفن | ۸۸۸۱۳۸۹۶

آدرس | تهران، خیابان میرزای شیرازی، کوچه سوم، پلاک ۷
سایت | www.goman-pub.com
ایمیل | goman.publication@gmail.com

تمامی حقوق چاپ و نشر این کتاب محفوظ است.
تکثیر، انتشار، بازنویسی، ترجمه، این اثر یا قسمتی از آن و استفاده از طرح روی
به هر شیوه از جمله: فتوکپی، الکترونیکی، ضبط و ذخیره در سیستم‌های بازیابی
و پخش بدون دریافت مجوز قبلی و کتبی از ناشر ممنوع است.
این اثر تحت حمایت «قانون حمایت از حقوق مؤلفان، مصنفان و هنرمندان ایران» قرار دارد.



فهرست

۷	یادداشت مجموعه
۱۳	چند تذکار
۱۷	فصل اول: گناه ارتفاع
۴۱	فصل دوم: بر روی سطح
۷۳	فصل سوم: از دست رفتن عمق
۱۲۱	یادداشت‌ها
۱۳۵	مؤخره‌ی مترجم

یادداشتِ مجموعه

بسیاری چیزها را نباید گفت حتی بعد از مرگ...
اگر بعد از مرگ من به این یادداشت برخورد کردید
همین اشاره کافی است.

— نیما یوشیج، یادداشت‌های روزانه

زندگی-نگاره‌ها بیشتر شرحِ احوالات است تا توصیف، آفاق، اعترافاتِ برپهنی
سفید کاغذ که چندان به خیال ادبیات رسته نشده‌اند. — حدّ تعریف آنجاست
که نویسنده نمی‌تواند بر آستانِ متنش بنویسد: «شاید نام‌ها و آدم‌ها و
اتفاقات تصادفی است».

یادداشت‌نویسی و خاطرات مشخصاً مالِ دورانِ مدرن است، لااقلِ تدقیقِ
احوالِ آدم‌های مدرن است؛ مواجهه‌ی مدام و مدیدِ آدمی یگانه با مرگ و سلال و
فراموشی است و نوحه بر سیاهیِ فنای محتوم. وجه مشترک این نوشته‌ها اینست
که اساساً فرم یا ژانرِ مشخصی ندارند، حتی وقتی با احتمالِ چاپ یا واسطه‌ها به
وصی تحریر شده باشند؛ قواعد ابدی ندارند یعنی قالب و حدّی ندارند؛ گاهی
غیرشخصی و تأملاتی‌اند، گاهی رمزی و موجز؛ گاه شبیه برشی از داستانی،
و گاهی شاعرانه می‌شوند از سربِ حوصلگی گاهی هم ترس و حزم، یا شرم،
یادداشت‌های نویسنده‌ای را شاعرانه می‌کند؛ گاه گزیدگی غلبه دارد، یعنی تمایل
به نگفتن، و گاهی هم گشودنِ قبضِ روحی رنجور شکلِ یادداشت می‌شود. حتی

می شود یادداشت های آدمی یکدست نباشد، روزی طعنه زن و ملامت گر باشد، روزی دیگر خودستایانه، گاهی افسوس بر زندگی رفته، گاهی شرح خوشی ها و روزهای در راه. این سیالیّت فرم - یا به واقع: بی شکلی - تصریف آزادی روح است: پهنی سفید و گشوده ی کاغذ میدانی می شود وسیع تا قواعد و حجاب و حائل های ازبیشی یا قراردادی روح محو شوند، و جان بگیرد این خواست مدرن «نقش زدن خویشان» یا «تقریر صریح نفس» - میراث تلخ سنت آگوستین و مونز و روسو. پس، عجیب نیست که هیچ کتاب مجموعه ی زندگی نگاره ها فرمی شبیه دیگر کتاب ها نداشته باشد.

در سوال و نقاش و شاعر و آنارشیست و شاعر و خداشناس در اغلب زندگی نگاره ها می شود دید که در وهله ی نخست انسانند حتی اگر گهگاه تأملات و الهامات و تخیلات بنویسند، و دل مشغولی های خیلی صریح و بدیهی خرد و گاه آشوبانه دهند: در آن نویسی در میان سالی از قیلوله ی عصرگاهی بیدار شده به تجربه های عالی حائل می اندیشد و نگرانست که چشمانش تا آخر عمر خواهد دید یا نه؛ لغت شناسی را کار بی وقفه ی لغتنامه می نویسد که چه بارها که در شب از بستر برمی خیزد و پلیته برم کردم و چیزی می نوشتم تا لغات فارسی فراهم بیایند؛ شاهی صاحبقران در بیخ شبانه و بازان تا سحر و خوابی کوتاه تا صبح یادداشت کوچکی نوشته، روز بعد از کابوس و هراس مرگ مفاجا می نویسد؛ نویسنده و سیاست مداری، پس از مرگ سرو فرزندان و کشته شدن یاران و هم‌زمان و دوستی شفیق، شبی می نویسد - پس من چرا باید گذشته را به یاد بیاورم؛ شاهزاده ای می خواهد، با نظر به سوء قضای و اختارات پیش رو، چیزی به جهت سبکی کار بنویسد و وصیت می کند چون ابله باشد راضی به حرکت نعل خود نیستم؛ موسیقی دانی جایی یاد می کند از فراموشی قرار (لغاتش با دوشیزه ای نادر، چرا که دستخوش حجم صداهای اتاق پاییزی اش به روح او - این سمفونی خاطره ی فراق معشوقی تا ابد از دست رفته است؛ کوشنده ای مشغول به خواندن در نامه ای می نالد که طهران کدام جانور است که در یک شب صدویست آنجمن زایید؟ و می گوید سوی چشمانش در زوال است و می داند ولی که باید ایران را تا پنجاه سال در جلد سیاه خود شست و شوداد تا قابل دباغی گردد؛ فیلسوفی از سرخوشی مخصوصش پس از چرتی مختصر در عصری پاییزی می نویسد که اشیا در نشنگی سیالی سبک به چشم می آمده اند؛ شاعری تمام در پیری و تحسّر و

غربتِ خانه‌ی تجربیش می‌نویسد من اُستادم برای مردن، من اُستادم که نفهمند چه چیز مرا خُرد کرده است؛ داستان‌گویی یادداشت می‌نویسد از نقل مکرر دوست شاعرش در ماه‌های واپسینِ عمر که روی دست خودمانده‌ام؛ دختری از رنگ طبیعیِ چهره و حالت معمولیِ جنازه‌ی دای‌اش با سیگاری نصفه لای انگشت می‌نویسد که نمی‌دانست روزگاری نویسنده‌ای مشهور خواهد شد؛ اصلاً چرا من این حرف‌ها را می‌نویسم؟ که چی؟ ذکر خیری پنهانی از آن بزرگوار رفته، یا شکایت از روزگار در این آخرشب، در این خلوت خاموشِ تاریک و دلگیر و باران یکنواخت؛ اصلاً نویسنده‌ای در شرح سرخوشی حاصل از تماشای چای دوزنگ ساختن پدرش در عصرهای شیراز ناگهان به زبان شطح می‌نویسد: از دیدن پدرم که آسوده لم داده است و در سکوتِ راحت و وقارِ تنهایی‌اش انگار باهمیم، از همیم، خوشی‌ای به من می‌رسد؛ اما ستارنویسی که عمری یادداشت روزانه نوشته، با شنیدن خبر مرگ دوستِ بالیداش می‌نماید یک‌شنبه است، دلم نمی‌خواست بیدار شوم. دلم می‌خواست در خواب می‌مردم. گناه کیست این توفان و گردبادی که به جان ما افتاده و جزویرانی و پیریشانی بر روی اقیانوس می‌گذارد...

نوشتن از خود یک جور است پیش رفتن در برابر مرگ است و هراسِ فراموشی و فنا؛ مومیایی کردنِ نفس است، قتلِ پیش‌انداختنِ محاکمه است؛ شلاقِ تطهیر است بر خود و بر میدانِ دید یا خواستِ فراهم آمدنِ یشاپیشِ طومارِ اعمالی است برای روز مبادا؛ چنان‌که روسو در نخستین سطرهای اعترافش می‌نویسد در صورتی که بدمند، خواهیم آمد این نوشته را به دست گرفته، اواز خواهیم زد: اینست آنچه کردم و اندیشیدم و بودم؛ گویی حتی انتظارِ واپسین اعتراف در بساطِ راحت‌نار هم دیگر ممکن نیست، باید دست‌به‌کار شد و از دیدن‌ها و حس‌ها و امیدها و آرزوهای فراهم آورد که شباهتش با آدم‌ها و اتفاقات تصادفی اصلاً نیست؛ اما نویسنده اینجا هم می‌خواهد به شرحِ ردِّ غیرواقعی‌های پنهانِ بر واقعیتِ معمول برسد؛ نویسنده در زندگی نگاره‌نویسی آن است که به جای پیکر ساختن از توده‌ی گِلِ نرم و رواند با طرح افکندن یکی دو خطِ اندیشیده و دقیق بر تنِ سنگی انتخاب شده چیزی ماندگار بیافریند که هم گزارشِ خود است هم شرحِ جهان، همان قدر که شبیه است محاکاتی است - فاصله‌اش با واقعیت را اغواگرانه انکار می‌کند.

باید بتوان فرق گذاشت میان آنچه ما مراد می‌کنیم و می‌خواهیم از خاطرات و یادداشت‌های روزانه، و آنچه بازارِ خودفروشی و حراجِ خلوت است برده‌ها

و ویتترین‌ها؛ واقعیت‌های بفروشی زندگی فلان سیاست‌مدار، فاش‌گویی رسوایی بهمان چهره‌ی معروف و... این‌ها خواستِ تقرّب به و لمسِ هرچه بیشتر و شدیدترِ واقعیت است: مسح ناممکن آن تصویر حادّ. اینجا خبری از این‌ها نیست.

زندگی‌نگاره‌ها را نمی‌خواهیم به ترجمه محدود کنیم، اما در سپهر زبان فارسی و ایران جدید، این چنین از خودنوشتن گستره و سرآمدهای معدودی دارد که پیشینه‌شان - پس از متونی مثل بدایع الوقایع - شاید بازمی‌گردد به روزنامه‌ی خانات ناصرالدین شاه و اعتماد السلطنه، بیابغرافیای آخوندزاده، خاطرات شکار دوستعلی خان معیرالممالک و نمونه‌های متأخرتری مثل یادداشت‌های روزانه‌ی نیما، یا شرح زندگانی من عبدالله مستوفی، نامه‌های هدایت به شهید نورانی، روزها در راه ماهرخ، سبزه سبزی، لاله لاله، لاله آل احمد. پس یکی دو گزیده فراهم می‌آید از سرچشمه‌ها، و بعد هرچه بزرگتر و بترجم و دست‌یاب ما شود. و اگر از زندگی کسی یادداشت‌ها یا خاطراتی موجود باشد، و بشیم شرح حال‌های مختصری فراهم بیاوریم.

در شکل‌پذیرترین مجموعه، سه‌م نوشته‌ها و ترجمه‌های جناب آقای احمد اخوت در باب ادبیات خاطره سه‌م راضع است و سپاسگزاریم اجازه دادند مجموعه با کتاب ایشان آغاز شود. پیش از این نیز در سال‌های ۱۳۷۰-۱۳۷۵ مجموعه‌ای شامل دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی کافکا و دفتر یادداشت‌های روزانه‌ی یک نویسنده‌ی داستایفسکی - در انتشارات بزرگ ربا - به این ایده و نیت منتشر شده که حیف ادامه نیافت. می‌ماند به یادکرد اینکه در هر دو مجموعه پیش‌رفتن کار و انتخاب کتاب و گزیدن مترجم و آماده‌سازی آن را همراهی بسیاری مؤثر بوده‌اند که شاید نامشان بر جلد کتابی از این مجموعه هم نیاید. در هر دو مشورت‌شان حفظ برده‌ایم و سپاسگزاریم: لاله قدکپور، احمد اخوت، رضا سبزی، آیین گلکار، عماد مرتضوی؛ و البته از دوستی مترجمان کتاب‌ها و ویراستاران و دقت‌نویسان و دلسوزی حروف‌چینان و کارگران چاپخانه و صحافی و مهربانان دیگر. یادداشت‌ها این‌ها حرمتی ست به سپاس رفتار فرهنگی‌شان و هم احترامی به ایده‌ی زندگی‌نگاره‌ها در به یادداشتن جزئیات و یادها و خط‌ها و رنگ‌ها و غروب‌ها و اشک‌ها و عطرها و تداعی‌ها و سوداها و تمناها، و دل‌ننهادن به هیچ‌یک و مهیای دیار سایه‌ها و فراموشی شدن.